نامزدهای انتخابات در میزگرد فرهنگی وارد جزئیات نمی‌شوند

کلیات ابوالبقا یا فرهنگ؟

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

فرصت بسیار کم است و تصمیمی که در این مهلت فشرده باید گرفته شود، بی‌اندازه مهم و تاثیرگذار خواهد بود. به دلایلی که همه می‌دانند و نیازی به شرح‌شان نیست، برنامه‌های انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری در مدت زمانی که نسبت به اکثر دوره‌های قبل کوتاه‌تر است برگزار می‌شود و مردمی که پای رسانه‌ها نشسته‌اند تا با شنیدن دیدگاه‌ها و برنامه‌های نامزدها بتوانند به جمع‌بندی و تصمیم‌گیری نهایی برسند، بیشتر از کلیشه‌های همیشگی که در کلام رجال سیاسی رایج است، به گزاره‌های ملموسی نیاز دارند تا توسط آنها بتوانند تصوری کلی از فضای دولت تحت امر هر نامزد به دست بیاورند.

به عبارت سراست‌تر ما به اینکه بتوانیم ایماژی از دولت تحت امر هر کدام از این نامزدها داشته باشیم، نیازمندیم. ایماژ یعنی تخیل و تصور. مثلا وقتی رمان می‌خوانیم، تصوری از چهره تمام آدم‌ها و مکان‌های روایت در ذهن ما شکل می‌گیرد. همین‌طور از لحن حرف زدن و انواع حرکات دست و صورت‌شان. این تصور ممکن است از خواننده‌ای به خواننده دیگر متفاوت باشد و در عین حال چیزهای مشترکی هم بین تصورات متفاوت خوانندگان وجود دارد. اما اگر داستانی روایت شود که هیچ جزئیاتی در توصیف هایش وارد نمی‌کند، دیگر نمی‌توان نام آن را داستان گذاشت و با خطابه‌ای طرف هستیم که قابل ایماژ برای هیچ کدام از خوانندگان و شنوندگان نیست. همه بحث سر این است که گفت‌وگوها در برنامه‌های انتخاباتی نامزدها باید به شکلی باشد که بتوان دولت تحت امر هر کدام را تا حد ممکن ایماژ کرد.

همه از عدالت می‌گویند؛ از زنان می‌گویند، از لزوم سپردن نقش‌های اجتماعی به مردم می‌گویند، از اهمیت فرهنگ می‌گویند، از تعامل با دنیا و در عین حال حفظ اقتدار می‌گویند؛ اما می‌دانیم که طبیعتا همه دقیقا مثل هم عمل نخواهند کرد و مشکل اینجاست که به اندازه کافی روی آن نقاط تمایزبخش‌شان تاکید نمی‌شود. اینکه نامزدها کلان‌ترین دیدگاه‌های اخلاقی‌شان در حوزه فرهنگ را بیان کنند، برای انتخاباتی که در این فرصت فشرده برگزار می‌شود کافی نیست؛ چه اینکه گزاره‌های اخلاقی حتی خارج از چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، در سایر نقاط دنیا هم لااقل در رژست‌ها به عنوان عناصری ازلی و ابدی پذیرفته شده‌اند و با اتکا به آنها نمی‌توان تمایز دیدگاه و عملکرد افراد را در مقام اجرا تصور کرد. با تاکید بر کلی‌ترین گزاره‌های مرتبط با فرهنگ انقلاب اسلامی هم نمی‌توان گفت که نامزدها همه آنچه می‌بایست برای شناخت‌شان توسط مخاطبان بیان کنند را بیان کرده‌اند. به طور قطع همه آنهایی که برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان تایید شده‌اند، مدافع فرهنگ انقلاب اسلامی هستند و حتی اکثرشان سابقه حضور در جبهه‌ها را دارند. این را همه می‌دانیم و تاکید و تکرار چندباره روی چنین مواردی باعث نمی‌شود مخاطبان به شناخت جدیدی از این افراد برسند یا قدرت به دست آوردن تصوری حدودی از فضای فرهنگی کشور در دولت هر کدام از این افراد را پیدا کنند. بنابراین نامزدهای محترم باید تفاوت دیدگاه خودشان با سایرین را مشخص کنند تا بتوان بین آنها تمایز دقیقی قائل شد. البته این طور نیست که در برنامه‌های انتخاباتی تلویزیون هیچ چیز جدیدی دست مردم نیاید اما حرکت به سمت ارائه ایده‌آل این است که دقت و صراحت بیشتری به خرج داده شود و خیلی از مسائل به طور ملموس و مصداقی برای مردم طرح شوند. یکی از حوزه‌هایی که بحث درباره آن بسیار مستعد غلتیدن در دامن کلیشه‌های کلامی به نظر می‌رسد، حوزه فرهنگ است. برنامه‌های فرهنگی این دوره از انتخابات در تلویزیون به عنوان فرهنگی-اجتماعی معرفی شدند؛ حال آنکه به رغم ارتباط وثیق و تنگاتنگ دو حوزه فرهنگی و اجتماعی، در این فرصت کم بعید است بتوان هر دو مبحث را در یک برنامه به طور کامل باز کرد و بسط داد. البته بعد از مدتی عنوان این برنامه‌ها توسط خود سازمان صداوسیما تغییر کرد و فقط عنوان «فرهنگی» در آن باقی ماند. از این هم که بگذریم، یکی از مسائل بسیار مهم که عموما مغفول می‌ماند، معنا و دلالت دقیق واژه فرهنگ است. بله فرهنگ یک مساله اجتماعی است؛ ولی هاله معنایی شکل گرفته از این واژه در ذهن غالب مردم ایران با مسائل مرتبط به حوزه هنر و سرگرمی یا رسانه پیوند می‌خورد. در این حوزه‌ها مسائل و جزئیات فراوانی به عنوان دغدغه و چشم‌انداز و آرزو و هدف وجود دارد که بخشی‌شان به فعالان این حوزه‌ها و صاحبان حرفه‌های هنری و رسانه‌ای برمی‌گردد و بخش دیگری از مردم به عنوان مخاطب با این حوزه‌ها سروکار دارند. تمام رای دهندگانی که در این طیف گسترده مرتبط با حوزه فرهنگ و هنر قرار می‌گیرند، باید طرح شدن مسائل و دغدغه‌های خودشان را در این برنامه‌ها ببینند و متوجه شوند که هر کدام از این دغدغه‌ها چقدر برای هر نامزدی مهم است و رویکرد او در قبال آنها چه می‌تواند باشد.

از حوزه‌هایی مثل موسیقی، سینما، کتاب و ادبیات تا رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی و علاوه بر آنها حوزه گردشگری، همگی مسائلی دارند که باید به دقت درباره‌شان صحبت شود و مردم تکلیف‌شان را درباره آنها بدانند. به عبارتی تکالیف و رویکردهای سه وزارتخانه ارشاد، ارتباطات و میراث فرهنگی باید در برنامه‌های فرهنگی انتخابات ایضاح شوند. به علاوه اگر نامزدهای محترم ایده و چشم‌اندازهای مشخصی درخصوص مسائل فرهنگی داشته باشند، بخشی از کاربردی کردن این ایده‌ها و به فرم رساندن‌شان به میانجی ابزار آموزش امکان‌پذیر است که وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم را درگیر موضوع می‌کند. این نقاط مشخص می‌بایست توسط کسانی که به عنوان پرسشگر در برنامه‌های تلویزیون حاضر شده‌اند لحاظ شود و هر شهروندی که دغدغه‌هایی نسبت به این موضوعات دارد، بتواند به طور واضح و شفاف پاسخ پرسش‌هایش را در این گفت‌وگوها پیدا کند.

در ادامه مطالبی را می‌خوانید که ضمن اشاره به وضعیت فرهنگی کشور در سال‌های اخیر و چشم‌اندازی که به طور طبیعی از آینده آن قابل تصور است، حوزه‌هایی که درخصوص آنها سوالات فراوانی وجود دارد را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به همین نکات است که هم می‌توان تا حدودی به مسائل و دغدغه‌های واقعی در حوزه فرهنگی کشور پی برد و هم این را دریافت که چه موضوعاتی می‌توانستند در این برنامه‌های انتخاباتی مورد توجه قرار بگیرند و از آنها غفلت شد.

آقایان، از جزئیات فرهنگ بگویید!

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«فرهنگ یک رشته نامرئی است که افراد را به هم وصل می‌کند و اگر این رشته نباشد، همه چیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. هنر، ادبیات، زبان و مذهب یک کشور بیانگر فرهنگ آن است. از طریق فرهنگ است که اعضای جامعه می‌آموزند چگونه بیندیشند و چگونه عمل کنند. پژوهشگران معتقدند اعتلای هر جامعه به فرهنگ آن بستگی دارد، به طوری که حتی ما با کمک فرهنگ می‌توانیم مسیر حرکت حیات آن جامعه را بررسی و پیش‌بینی کنیم.» همه این تعاریف کلیاتی است که هر کسی که می‌خواهد از فرهنگ بگوید، همین کلیات و مانند جمله‌های بالا را بیان می‌کند و مخاطب متوجه نمی‌شود این فرد چه نگاهی به فرهنگ دارد. غرض ما از فرهنگ گفتن، میزگردهایی است که این روزها از تلویزیون پخش می‌شود؛ میزگردهایی که هدف راه‌اندازی و شکل‌گیری‌اش انتخاب بهتر است. تا الان سه میزگرد فرهنگی برگزار شده است و کاندیداها سعی کرده‌اند نگاهی که در این حوزه دارند را مطرح کنند. نکته مثبت میزگردهای فرهنگی را باید حضور کارشناسانی دانست که قرار است نماینده مردم باشند و سوال‌هایی را بپرسند. حسین انتظامی مدرس ارتباطات، قائم‌مقام سابق وزارت ارشاد، رئیس سابق سازمان سینمایی در کنار الهام یاوری، مدیر سابق بنیاد ملی نخبگان، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف و رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان همراه با شهاب اسفندیاری، رئیس دانشکده صداوسیما به عنوان کارشناسان فرهنگی، قرار است در این میزگرد، نامزدهای انتخابات را به چالش بکشند. با نگاهی به میزگردهایی که در این چند روز پخش شده است، باید گفت نگاه به فرهنگ، انگار در همان کلیت می‌ماند و از پرداختن به جزئیات بازمی‌مانند. پرداخت انتزاعی به مسائل فرهنگی و ورودنکردن به جزئیات باعث می‌شود شناخت کاملی از فرهنگ به دست نیاید. تیرماه سال ۹۹ گزارشی را در «فرهیختگان» منتشر کردیم و در آن گزارش از اعضای جدید کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی درمورد آخرین کتاب و فیلمی که خوانده‌اند و دیده‌اند، پرسیدیم و جواب‌هایشان شگفت‌زده‌مان کرد. افرادی که در کمیسیونی به این نام گرد هم آمده‌اند، از کتاب و فیلم هیچ نمی‌دانند و شاید آخرین کتابی که خوانده‌اند یا فیلمی که دیده‌اند به سال‌ها قبل بازگردد. این دو موضوع به کنار، حتی مشکلات این حوزه را هم نمی‌دانستند و نگاهی نداشتند؟ حالا مطمئنا برای کسی که می‌خواهد بر مسند اجرایی کشور بنشیند، مهم‌ترین چیز دانستن مشکلات مختلف در حوزه فرهنگ است؛ اما برنامه هم برای اداره و بهتر شدن شرایط فرهنگ ندارند و صحبت درمورد آن را جدی نمی‌دانند. شاید گفته شود پرداختن به جزئیات مهم نیست و رئیس جمهور قرار نیست در حوزه‌های مختلف فرهنگ، اظهارنظر کند اما حتما نگاه کسی که به عنوان شخصیت اول اجرایی کشور انتخاب می‌شود مهم است. اینکه به موسیقی چطور نگاه می‌کند؟ سینما چقدر برایش اولویت دارد؟ کتاب و حوزه نشر را چطور می‌بیند؟ همه اینها مهم است چون قرار است راهبری این حوزه‌ها را در طول چهار سال به عهده بگیرد. اگر بخواهیم کمی مصداقی صحبت کنیم، در همین حوزه موسیقی، شاهد لغو شدن کنسرت‌های موسیقی در سال‌های مختلف و با دولت‌های متفاوت بودیم. اما شاید به جز اقداماتی که در دولت سیزدهم برای این حوزه انجام گرفت، دولت‌های دیگر نسبت به این موضوع و لغو کنسرت‌ها بی‌تفاوت بودند و اقدامی انجام ندادند. مساله کاغذ در حوزه نشر بسیار مهم است و باید دید رئیس جمهور آینده چه نگاهی به این حوزه دارد و اصلا به تولید کاغذ داخلی و اینکه کاغذ یک کالای استراتژیک است، فکر می‌کند و اهتمامی به این موضوع دارد یا نه. مطمئنا یکی از سوالاتی که جای آن در مناظره فرهنگی خالی است و کارشناسان می‌توانند به آن اشاره کنند، موضوع بودجه نهادهای فرهنگی است. نهادهایی که با ردیف بودجه‌های زیاد می‌خواهند کار فرهنگی انجام بدهند و درنهایت هیچ خروجی‌ای ندارند. یکی از کارهایی که در دولت جدید می‌تواند انجام شود این است که ابتدا زیرساخت‌های هر نهاد فرهنگی همراه با بودجه و خروجی‌اش بررسی شود و بعد از رصد کردن نتایج این کار، بودجه مناسب با خروجی برای هر نهاد تخصیص یابد. مطمئنا برای کسی که می‌خواهد بر مسند اجرایی کشور بنشیند، مهم‌ترین چیز دانستن مشکلات مختلف در حوزه فرهنگ با جزئیات آن است و لازم است کارشناسان که در این میزگردها حاضرند به این نکات توجه کنند؛ شاید تنها کسی که در این حوزه کمی سوالات تخصصی‌تر و با مصداق می‌پرسد، حسین انتظامی است که سعی کرده نماینده بهتری برای مردم باشد. اما باز هم پرداختن به جزئیات در این حوزه می‌تواند برای مردم بسیار راهگشا باشد تا اینکه بخواهند از کلیات بگویند. چیزهایی که برای همه واضح و روشن است و نیاز به تکرار ندارد.

کلی‌گویی با چاشنی مچ‌گیری

ایمان عظیمی
خبرنگار

تنها چند روز به برگزاری انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری باقی مانده است و نامزدها وقت زیادی برای بیان برنامه‌های خود ندارند. مشکلات عدیده اقتصادی در کشور باعث شده تقریبا همه افراد حاضر در کارزار انتخابات روی آن تاکید کنند و به اهمیت این مقوله بیش از دیگر مسائل اصرار بورزند، اما «فرهنگ» در برنامه کلان نامزدها چه فضایی را به خود اختصاص می‌دهد؟

با نگاهی اجمالی به دولت‌های گذشته درمی‌یابیم فرهنگ، لااقل کمتر از دیگر حوزه‌ها مورد توجه دولت‌های برگزیده بوده است و حتی به اقتصاد پیوسته به آن و تجمیع پول در این حوزه نیز چندان وقعی قائل نشده‌اند. کدام یک از روسا در سال‌های اخیر به فرهنگ در قالب یک پدیده امنیتی نگاه نکرده‌اند؟ تصور ما از مرزهای جغرافیایی با حضور اینترنت دچار استحاله و دگرگونی شده است و دیگر نمی‌توان با نگاه‌های کلی و بسته امنیتی مسائل مربوط به فرهنگ را حل و فصل کرد یا حتی از کنار آن با بی‌اعتنایی گذشت. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که امپریالیسم با نفوذ نیمه‌سخت و نرم درصدد تحمیل خواسته‌های ناروای خود به حاکمیت فرهنگی ایران است و حتی یک غفلت کوچک می‌تواند ما را در این جنگ فرهنگی عقب بیندازد. دولت آینده باید نسبت به تغییر ذائقه فرهنگی مردم ایران هوشیار باشد و علاوه بر رصد دقیق این مساله از برنامه جامع و مدونی برای مقابله با قدرت نرم آمریکا و عدم تضعیف روحیه دفاعی ما سود ببرد. اگر خصوصیات فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی را از وی سلب کنیم، چه چیز جز یک هسته سخت، از تنها دولت ملی و مستقل ایران در سده‌های اخیر باقی می‌ماند؟ در حقیقت ماهیت و جوهره نظام جمهوری اسلامی «فرهنگ» است و فقدان بنیان تئوریک و معطل نگه داشتن این مقوله در حصار نظریه‌ها و عدم ورود به میدان عمل از ایران چهره مطلوبی به دست نمی‌دهد.

انتخابات زودتر از موعد ریاست جمهوری در تیرماه سال جاری، صداوسیما را بر آن داشت تا هرچه زودتر دست به کار شود و برنامه‌های خود را در این زمینه سامان دهد. میزگرد فرهنگی هم بخشی از برنامه‌های اصلی این سازمان محسوب می‌شود که پایه‌هایش با حضور کارشناسان شناخته شده عرصه فرهنگ و همین طور نامزدهای مربوطه و مشاوران فرهنگی‌شان شکل گرفت. تاکنون دو نامزد در برابر دوربین‌های تلویزیونی حاضر شده‌اند و در پاسخ به سوال کارشناسان از برنامه‌های فرهنگی دولت احتمالی خود پرده برداشتند، اما آیا پاسخ نامزدها به سوالات مطرح شده در این میزگرد برای مردم و افکار عمومی قانع‌کننده و درخور توجه بوده است؟ یا محتوای برنامه‌های ارائه شده توسط نامزدها توانسته به مردم برای انتخاب اصلح کمک کند؟ خیر!

حضور کارشناسان در میزگردهای انتخاباتی باید اسباب یک بحث تخصصی را فراهم کند، نه اینکه به کلی‌گویی‌ها دامن بزند و نامزدها هم برای فرار از پاسخ‌های صریح دست به دامان بدیهیات تاریخ مصرف‌گذشته شوند. الهام یاوری به عنوان یکی از کارشناسان میزگرد فرهنگی از محمدباقر قالیباف در رابطه با طرح دولت در مورد آینده آموزش و پروش می‌پرسد و این نامزد با پیش کشیدن حرف‌های کلی پرونده این سوال را می‌بندد. هم طرح سوال مشکل دارد و هم پاسخ نامزد چندان مخاطب را به فکر نمی‌اندازد. در دورانی که آموزش و پرورش بیش از هر زمان دیگری کالایی شده است حرف زدن از شکوفایی در این حوزه چندان محلی از اعراب ندارد. بهتر این بود که کارشناس محترم، بحث عدالت اجتماعی به عنوان حلقه مفقوده برنامه‌های دولت در امور مربوط به آموزش و پرورش بچه‌های مردم را محور صحبت‌های خود قرار می‌داد تا آقای قالیباف با کنار گذاشتن بدیهیات به اصل موضوع بپردازد.

حسین انتظامی، یکی دیگر از سه کارشناس میزگرد فرهنگی هم از همان ابتدا، با طرح سوالات جنجالی و حساس نگاه‌ها را به سمت خود جلب کرد و در فضای مجازی به اصطلاح وایرال شد. این کارشناس تاکنون اغلب سوال‌هایش را با چاشنی مچ‌گیری از نامزدها پرسیده است و با این دست‌فرمان عملا باعث شده تا پرداختن به حرف‌ها و برنامه‌های اساسی عملا معطل بماند. مساله فرهنگ دست‌کم گرفته شده‌ترین مقوله حاضر در انتخابات ریاست جمهوری است و نگاه‌ها به آن هم از سمت نامزدها و هم از جهت کارشناسان بسیار کلی و در جاهایی تنها بازتاب دهنده امراض موجود در فضای مجازی است.

سند ملی موسیقی ایران رونمایی شد

مشکل لغو کنسرت‌ها حل می‌شود؟

کیانا تصدیق‌مقدم
خبرنگار گروه فرهنگ

سند ملی موسیقی ایران که ۱۷ سفندماه ۱۴۰۲ توسط رئیس جمهور شهید ابلاغ شده بود، روز گذشته با حضور محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد رونمایی شد.

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد در ابتدای این مراسم- که روز گذشته برگزار شد- درباره حل شدن ابهاماتی که پیش از این در خط مشی‌های کلی و کلان و اسناد بالادستی این حوزه وجود داشت، گفت: «مهم‌ترین نقدی که در گفت‌وگوهای همه اصحاب این حوزه هنری مشترک بود، این بود که به لحاظ قانونی، خط مشی‌های کلی و کلان و اسناد بالادستی این حوزه دچار ابهامات متعددی است که باید حل شود و نباید با رفت‌وآمد افراد، شرایط این حوزه‌ها تغییر یابد و باید قانونمندی را در این حوزه حاکم کنیم. بر همین اساس روی سند موسیقی کار کرده‌ایم، البته نه اینکه در دوره‌های قبل برای تدوین این اسناد کار نشده بود؛ در موسیقی، سینما، تئاتر و هنرهای تجسمی بارها کارهایی انجام شده بود اما به دلیل ایراد، ابهامات و فرآیند دشواری که در مسیر بعضی از اینها ایجاد شده بود، هیچ‌گاه هیچ یک از اینها به نتیجه نرسیده بود.»

موضوع مهمی که اسماعیلی در این مراسم به آن اشاره کرد درباره تصمیم‌گیری‌ها برای صدور مجوزهای موسیقی بود. او با تاکید بر این موضوع که هیچ مرجعی جز وزارت ارشاد حق صدور مجوز موسیقی ندارد، گفت: «دقیقا در ایامی این سند ابلاغ شد که حواشی‌ای در حوزه موسیقی ایجاد شده بود. در سند ملی موسیقی به تصریح آمده مسئول تشخیص و صدور مجوز برای برنامه‌های موسیقی وزارت فرهنگ است. متعاقب این کار شورای امنیت کشور نامه‌ای را به شوراهای تامین استان‌ها ارسال و اعلام کرد از این به بعد هیچ مرجعی جز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی حق ورود به موضوع صدور مجوز برنامه‌های موسیقی را ندارد. موضوع دیگری که وزیر ارشاد در این مراسم به آن اشاره کرد اجراهایی بود که قرار است در بنیاد رودکی و تالار وحدت روی صحنه بروند. براساس اعلام او از این پس دو مکان نامبرده صرفا به اجرای موسیقی‌های سنتی اختصاص می‌یابد.»

اسماعیلی در پایان این مراسم با تاکید بر این موضوع که سند ملی قابلیت تغییر دارد گفت: «در سند موسیقی شیوه اصلاح و تغییر پیش‌بینی شده است و هیچ ملاحظه‌ای در این خصوص نیست و این سند، غیرقابل تغییر به شمار نمی‌رود.»

وزارت ارشاد تنها مرجع صدور مجوز برنامه‌های موسیقی است

یکی از موضوعاتی که در سند ملی موسیقی به آن توجه شده، شفاف کردن وظایف متولیان حوزه موسیقی است. براساس قانون، این شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در حوزه کلان در مورد موسیقی تصمیم می‌گیرد و وزارت فرهنگ و ارشاد در زمینه نظارت بر سیاستگذاری‌های کلان و همچنین اجرا کردن قوانین موجود، کارایی‌اش را نشان می‌دهد. وزیر ارشاد در مراسم رونمایی صراحتا اعلام می‌کند براساس سند ملی موسیقی تنها وزارت ارشاد است که مرجعیت صدور مجوز برای موسیقی را دارد. این یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در سند ملی موسیقی مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های گذشته مشخص نبودن مرجع اصلی صدور مجوز با موانع زیادی روبه‌رو شده بود که یکی از مهم‌ترین آنها برگزاری کنسرت‌های موسیقی محسوب می‌شود.

سال گذشته کنسرت‌های زیادی تحت مشخص نبودن یک مرجع لغو شدند. از لغو چندین باره کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان گرفته تا لغو چند کنسرت در استان بوشهر. البته موضوع لغو کنسرت‌ها تنها به سال گذشته برنمی‌گردد. در یکی از گزارش‌هایی که در «فرهیختگان» با عنوان «خطر قدرت گرفتن فراقانونی‌ها» درباره این موضوع نوشتیم، به آماری رسیدیم که نشان می‌داد از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲، تعداد ۲۲ کنسرت لغوشده که دلیل لغو ۱۰ کنسرت نامشخص است.

شاید این موضوع از دلایلی بود که باعث شد دولت وقت در پیش‌نویس سند موسیقی بیان داشته اعمال رویه‌ها و سیاست‌های اجرایی در امر صدور مجوزهای قانونی تولید، نشر و اجرای آثار موسیقایی در سطوح ملی و استانی باید «واحد» باشد و تلویحا به این نکته اذعان داشته از رویه‌های نامرسوم اما تکرارشده در گذشته باید جلوگیری به عمل آید. در ادامه دستگاه‌های انتظامی و قضایی ماموریت پیدا می‌کنند هنگام کنسرت‌های دارای مجوز با وزارت فرهنگ و ارشاد کاملا هماهنگ باشند. این اتفاق یکی از متعلقات اهداف روشنی است که در این سند به آن پرداخته شده و درنهایت ما را از سردرگمی نجات می‌دهد.

حالا باید دید با ابلاغ این سند به دستگاه‌های مربوط و مرجعیت یک سازمان به عنوان متولی برای صدور مجوز موسیقی، مشکل لغو کنسرت‌ها حل می‌شود یا خیر.